

## رهیافت چندجانبه‌گرایی؛ رویکردی کارآمد برای مبارزه با تروریسم در جهان اسلام (با تأکید بر همکاری ایران، ترکیه، مصر و عربستان)

همت ایمانی\*

دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه شهید بهشتی

فرشید دیلمقانی

دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)

حدیث روشنی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

### چکیده

امروزه تحت تأثیر فرایند جهانی شدن نه تنها امنیت کشورها بهبود نیافته، بلکه تهدیدات علیه امنیت ملی آن‌ها نسبت به قبل بیشتر و متنوع‌تر هم شده است. باید گفت که دیگر، دولت‌ها به‌طور یک‌جانبه قادر به تأمین امنیت ملی نیستند. در بسیاری از موارد، رفع تهدیدات و تأمین امنیت ملی صرفاً از طریق سیستم امنیت جمعی و همکاری‌های چندجانبه امکان‌پذیر است. یکی از اساسی‌ترین تهدیداتی که امروزه علیه همه کشورها وجود دارد، مسئله تروریسم است. در این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی مبتنی بر اسناد کتابخانه‌ای، ره‌یافت چندجانبه‌گرایی به‌عنوان رویکردی کارآمد برای مقابله با تروریسم و ریشه‌کنی تدریجی آن در جهان اسلام پیشنهاد می‌شود. بر این اساس، پرسش پژوهش عبارت است از اینکه با توجه به تهدیدات روزافزون تروریسم در جهان اسلام، کدام رویکرد برای مقابله با این پدیده کارآمدتر و جامع‌تر است؟ یافته پژوهش این است که درپیش گرفتن رویکرد چندجانبه‌گرایی و اقدامات مشترک کشورهای منطقه، کارآمدترین راه برای مبارزه با تروریسم در جهان اسلام است. کشورهای تأثیرگذار منطقه از جمله ایران، ترکیه، مصر، عربستان و دیگر بازیگران منطقه‌ای در چهارچوب روابط چندجانبه و نهادهای منطقه‌ای باید رویکرد مشترکی در خصوص مبارزه با تروریسم اتخاذ کنند. رویکرد چندجانبه باعث مؤثر واقع شدن اقدامات هماهنگ بازیگران منطقه‌ای، کاهش هزینه‌های مبارزه با تروریسم، کاهش دخالت بیگانگان در مسائل منطقه، حذف ریشه‌های شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و غیره می‌شود و درنهایت اینکه برقراری امنیت و ثبات در منطقه زمینه توسعه همه‌جانبه را در جهان اسلام فراهم می‌کند.

**واژگان کلیدی:** چندجانبه‌گرایی، تروریسم، جهان اسلام، منطقه‌گرایی، همگرایی اقتصادی.

## مقدمه

در عصر جهانی‌شدن و ارتباطات نه‌تنها نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی کشورها کاهش نیافته، بلکه بیشتر هم شده است. امروزه علاوه بر اینکه مفهوم امنیت دچار تحول جدی شده، باید گفت که تأمین امنیت دیگر در انحصار دولت‌ها نیست و دولت‌ها به‌طور یک‌جانبه قادر به تأمین امنیت خود نیستند. در بسیاری از موارد، رفع تهدیدات و تأمین امنیت ملی از طریق همکاری‌های بین‌المللی، توجه به نقش بازیگران غیردولتی، درپیش‌گرفتن سیستم امنیت جمعی و همکاری‌های چندجانبه امکان‌پذیر است. در این مقاله به یکی از اساسی‌ترین تهدیداتی که امروزه علیه همه کشورها وجود دارد، یعنی مسئله تروریسم و راهکارهای مبارزه با آن پرداخته خواهد شد. در حال حاضر پدیده تروریسم متأثر از تحولات جهانی‌شدن و گسترش ارتباطات و فناوری اطلاعات، بسیار گسترده‌تر و قوی‌تر شده و نسبت به گذشته اثرات مخرب فراوانی دارد که عملاً هیچ کشوری از خطرات آن در امان نیست و هیچ دولتی به‌تنهایی قادر به مقابله با آن نیست. در این مقاله رهیافت چندجانبه‌گرایی به‌عنوان رویکردی مؤثر برای مبارزه با تروریسم و ریشه‌کنی آن در خاورمیانه پیشنهاد می‌شود؛ بنابراین، کشورهای تأثیرگذار منطقه از جمله ایران، ترکیه، مصر، عربستان و دیگر بازیگران منطقه‌ای در چهارچوب روابط چندجانبه و نهادهای منطقه‌ای می‌توانند رویکرد مشترکی در خصوص مبارزه با تروریسم اتخاذ کنند. اهمیت این پژوهش از آنجاست که با در نظر گرفتن تحولات روز منطقه و جایگاه قدرتی بازیگران منطقه‌ای، راهکاری عملی و واقع‌گرایانه به حل مشکل تروریسم در جهان اسلام پیشنهاد می‌کند.

در این مقاله روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است، زیرا هم از منابع مکتوب (نظیر کتاب، نشریات و اسناد) استفاده شده و هم از منابع اینترنتی و رسانه‌ای؛ در نتیجه روش گردآوری داده‌ها هم اسنادی و کتابخانه‌ای و هم اینترنتی است.

## ۱. پیشینه تحقیق

در خصوص بحث رهیافت چندجانبه‌گرایی و مبارزه با تروریسم در جهان اسلام متأسفانه پژوهش‌های علمی جامع و منسجم یافت نشد. عموم پژوهش‌ها در این زمینه بیشتر به صورت پراکنده به بررسی مسئله پرداخته‌اند. امید است این پژوهش شروعی برای نگارش و تألیف آثار علمی منسجمی در خصوص چندجانبه‌گرایی و مقابله با تروریسم در منطقه خاورمیانه توسط صاحب‌نظران و پژوهشگران دانشگاهی باشد.

در اینجا به معرفی برخی از آثار علمی که به موضوع این پژوهش مربوط است اشاره می‌شود: مقاله «جریانات افراطی و تکفیری در منطقه و راهکارهای مقابله با آن‌ها» با توجه به نقش خاورمیانه‌ای روسیه» نوشته محمدرضا رستمی (چاپ‌شده در فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴) یکی از آثاری است که به بحث افراط‌گری در منطقه خاورمیانه پرداخته است. نویسنده در این مقاله بیشتر به نقش بازیگری روسیه در خاورمیانه پرداخته است و انگیزه روسیه

را در ورود به مسائل منطقه خاورمیانه اثبات موقعیت بین‌المللی خود و دور کردن صحنه مواجهه به غرب از مرزهای خود دانسته است.

اثر دیگر مقاله‌ای «سیاست خاورمیانه‌ای امریکا و تروریسم در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر» نوشته محمود رضا تخشید و فاطمه جلائیان مهری (فصلنامه سیاست، شماره ۱، بهار ۹۶) است. این مقاله به بررسی تأثیر سیاست‌های خاورمیانه‌ای امریکا بر تروریسم منطقه‌ای می‌پردازد. باور نویسندگان مقاله این است که سیاست خاورمیانه‌ای امریکا به واسطه اعمال نظامی‌گری غیرضروری بهانه‌هایی جدید برای فعالیت گروه‌های تروریستی فراهم آورده و موجب تقویت آن‌ها شده است. اثر دیگر «تروریسم جهانی و روندهای امنیتی خاورمیانه» است که توسط هیبت‌الله نژندی‌منش و همکاران (فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۲۹، بهار ۹۶) نوشته شده است. این مقاله نیز به مسئله تروریسم در خاورمیانه پرداخته و تأکید دارد که اقدامات قدرت‌های بزرگ نه تنها برای منطقه مفید نبوده، بلکه باعث گسترش روزافزون تنش و جنگ داخلی شده است.

مقاله «طرح خاورمیانه بزرگ: الگوهای نوسازی بومی و گسترش همگرایی منطقه‌ای» نوشته جواد معین‌الدینی (چاپ‌شده در دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۶) است که به معرفی طرح خاورمیانه بزرگ، ماهیت و اهداف این طرح و تحولات ناشی از آن پرداخته و از این رهگذر، زمینه و الگوهای نوسازی بومی و گسترش همگرایی منطقه‌ای را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده بر این باور است که الگوهای ارائه‌شده غربی برای منطقه خطرناک بوده و منافع منطقه را تأمین نمی‌کند؛ بنابراین، پیشنهاد آن است که بر مبنای عناصر مشترکی مانند اسلام، نفت، دشمن مشترک اسرائیل، کمبود آب، خطرات محیط زیستی و ضرورت همکاری در سیستم بین‌الملل، کشورهای منطقه باید با تکیه بر منابع و امکانات خود، زمینه‌ها و عوامل همگرایی منطقه‌ای را شناسایی کرده و خود الگوی بومی نوسازی را پیاده کنند.

اثر دیگر مقاله‌ای است با عنوان «تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم» نوشته داود فیروزی و صمد ظهیری (چاپ‌شده در فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۷، پاییز ۸۷)، است. در این مقاله بیشتر به تعریف مفهوم تروریسم و رهیافت‌های موجود در آن پرداخته شده است. در نهایت نویسنده چهار رهیافت مذهبی، روان‌شناختی - اجتماعی، فلسفی و منطقی-عقلانی را توضیح داده است. نویسنده بر این باور است که سه رهیافت اول در شناخت پدیده تروریسم و ارائه راه‌حل برای مقابله با آن آشکارا ناکام مانده‌اند و تا حدودی رهیافت منطقی-عقلانی توانسته است بخش‌هایی از زوایای ناشناخته پدیده تروریسم را روشن کند.

مقاله «فرهنگ و گسترش تروریسم و افراطی‌گری در خاورمیانه و شمال آفریقا» نوشته ایوب حیدری (فصلنامه سیاست، سال اول، شماره ۴، زمستان ۹۳) در پی آن است تا نشان دهد چگونه عوامل فرهنگی، از جمله عقاید، باورها، سنت‌ها، ارزش‌ها، و الگوهای رفتاری ریشه‌دار، باعث

شده‌اند که گروه‌ها و جریان‌های مختلف در این منطقه به بازتعریف هویت خود در جهت گرایش به رفتارهای تروریستی بپردازند.

مقاله «روندهای مقابله با تروریسم در خاورمیانه و عرصه بین‌المللی» نوشته سمیه قنبری و مسعود مطلبی (فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، شماره ۳۰، سال ۹۶) بر این مسئله تأکید دارد که مطلوب‌ترین سناریو از روندهای مقابله با تروریسم آن است که جامعه بین‌المللی با رهبری سازمان ملل در دهه‌های آینده با جدیت به دنبال کنترل بیشتر بر بحران تروریسم باشد.

## ۲. مبانی نظری؛ رویکرد چندجانبه‌گرایی

در خصوص مفهوم چندجانبه‌گرایی باید گفت که چندجانبه‌گرایی یک اصطلاح دیپلماتیکی رایج در روابط بین‌الملل است که به همکاری بین چندین دولت اشاره دارد. همچنین چندجانبه‌گرایی از یک‌جانبه‌گرایی (اقدام مستقل یک دولت واحد) و دوجانبه‌گرایی (اقدام میان دو دولت) متمایز است. مفهوم چندجانبه‌گرایی<sup>۱</sup> برای نخستین بار در قرن بیستم به‌عنوان یک الگوی دیپلماسی در کنار دیپلماسی دوجانبه ظاهر شد. بریج و آلن جیمز نویسندگان فرهنگ دیپلماسی، چندجانبه‌گرایی را وسیله روابط در میان سه یا بیشتر از سه کشور در روابط دائمی یا موقت بین‌المللی می‌دانند. (Wiseman, 2001: 7-13) در جای دیگری آمده است که چندجانبه‌گرایی عبارت است از شرایطی که چندین کشور یا سازمان‌های بین‌المللی در خصوص دستیابی به هدفی خاص یا برخورد با مسئله‌ای با یکدیگر همکاری می‌کنند. (Dictionary.cambridge.org)

روگی با بررسی مجموعه‌ای از مصادیق چندجانبه‌گرایی که مورد اتفاق عموم بود، به این نتیجه رسید که وجه مشترک ترتیبات چندجانبه، وجود مجموعه قواعدی است که مناسبات میان گروهی متشکل از سه دولت یا بیشتر را مطابق با اصول عمومی رفتار تنظیم می‌کند. (روشن، ۱۳۹۵: ۴۹)

از نظر روگی، چندجانبه‌گرایی عبارت است از «روابط هماهنگ و سازمان‌دهی شده بین سه یا بیشتر از سه کشور در موافقت با اصول خاصی که این مسئله به رابطه بین آن‌ها نظم می‌دهد.» چندجانبه‌گرایی یک شکل نهادی کلی را نمایندگی می‌کند و به‌طور ضمنی به ترتیبات سازمانی اشاره دارد که حقوق مالکیت دولت‌ها را تعریف و تثبیت می‌کند. همچنین چندجانبه‌گرایی مشکلات و مسائل مشترک و جمعی دولت‌ها را حل و فصل می‌کند. (Ruggie, 1992: 567-568)

چندجانبه‌گرایی را می‌توان به «راهکارهای دیپلماتیک و اقدامات هماهنگ با چندین کشور، تحت حمایت رژیم‌های بین‌المللی، با استفاده از قواعد قبلی توافق شده و همچنین، دستورالعمل‌هایی برای دستیابی به سیاست‌های هماهنگ» تعریف کرد. (Drezner, 2008: 194) همچنین مفهوم چندجانبه‌گرایی به معنی تعامل چند بازیگر به صورت داوطلبانه از راه همکاری‌های بین‌المللی نهادینه‌شده به وسیله هنجارها و اصول مشترک و از طریق اعمال قوانین یکسان برای همه بازیگران است. (Bouchared and Peterson, 2010: 22)

در تعریفی دیگر، چندجانبه‌گرایی شیوه تطبیق و هماهنگ‌سازی سیاست‌های ملی در گروهی از سه یا بیشتر از سه کشور از طریق ترتیبات منحصر به فرد یا روش‌های نهادی و سازمانی است. (Keohane, 1990:731) چندجانبه‌گرایی اغلب دولت‌ها و نهادهایی را در برمی‌گیرد که به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد پایدار و هم‌بسته، رسمی یا غیررسمی، تجویزکننده نقش‌های رفتاری، تحمیل کردن فعالیت‌ها، شکل‌دهی به انتظارات تعریف می‌شود. رابرت کوهن بر این باور است که چندجانبه‌گرایی زمانی نهادینه شد که نقش‌ها و قواعد پایدار در روابط بین‌الملل ظهور کردند؛ بنابراین، شکل‌گیری نهادها و سازمان‌ها نسبت به دیگر اشکال چندجانبه‌گرایی برجسته بوده است. (Keohane, 1990:733) نهادهای چندجانبه‌گرا به‌طور ضمنی شکلی از رژیم‌های بین‌المللی یا سازمان‌های بروکراتیک را به وجود می‌آورند. در واقع چندجانبه‌گرایی فرایند نهادینه کردن همکاری‌های بین‌المللی توسط نرم‌ها و اصول، بین سه یا بیشتر از سه بازیگر فعال داوطلبانه با قوانین اعمالی برابر با همه آن‌هاست. (روشن، ۱۳۹۵: ۴۹) مناسب‌ترین تعریف چندجانبه‌گرایی متعلق به رابرت کوهن است؛ وی چندجانبه‌گرایی را عمل تطبیق و هماهنگی سیاست‌های ملی در بین سه یا بیشتر از سه کشور با ترتیبات موقت یا به وسیله نهادهای بین‌المللی می‌داند. (Schechter, 1999:26)

در خصوص اصول چندجانبه‌گرایی می‌توان به غیرقابل تقسیم بودن<sup>۲</sup>، اصول کلی رفتار<sup>۳</sup> و مقابله به مثل پراکنده<sup>۴</sup> اشاره کرد. غیرقابل تقسیم بودن اصل تفکیک‌ناپذیر یک سیستم امنیت جمعی است. غیرقابل تقسیم بودن یعنی جنگ در برابر یک کشور به معنای جنگ در برابر همه کشورها است. هسته مرکزی سیستم امنیت جمعی غیرقابل تقسیم بودن صلح و حرکت به سمت کاهش طبیعی تجاوز است. امنیت مختص به کشور خاصی نیست، بلکه متعلق به تمامی کشورها است. اصول کلی رفتار معمولاً در شکل هنجارها و نرم‌های پذیرفته‌شده کلی به جای روابط مورد به مورد و بر اساس اولویت‌های فردی، ضرورت‌های موقعیتی یا زمینه‌های پیشینی اولیه مانند ایدئولوژی، مذهب و غیره است. این اصل عنصر اساسی تطبیق و هماهنگی امور بین کشورهاست. چندجانبه‌گرایی شکل نهادی عام زندگی بین‌المللی در دوران معاصر است. اصول کلی رفتار، الزام کشورها به واکنش در برابر متجاوز در هر زمان و هر مکانی که اتفاق بیفتد، است. عمل مقابله به مثل پراکنده نیز ترتیباتی است که توسط کشورهای عضو یک سیستم امنیت جمعی در پاسخ به متجاوز در هر زمان و هر مکانی اتخاذ می‌شود. (Ruggie, 1993:11)

2. Indivisibility
3. Principles of Conduct Generalized
4. Diffuse Reciprocity

### ۳. چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی ایران

بر مبنای قانون اساسی و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، اهداف سیاست خارجی این کشور را می‌توان در محورهای ذیل دسته‌بندی کرد: پاسداری از استقلال، وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور، کمک به تأمین امنیت ملی، اعتدالی‌منزلیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و ایرانی، افزایش نفوذ منطقه‌ای و جهانی و کاهش آسیب‌پذیری‌های کشور، ارتقای روابط و کاهش تنش‌ها و خصومت‌ها، کمک به توسعه و پیشرفت همه‌جانبه کشور، ترویج مردم‌سالاری دینی و معیارهای الهی، ایفای نقش مؤثر و نهادسازی برای کمک به استقرار صلح و ثبات پایدار در منطقه و جهان. (www.Mfa.gov.ir) دستیابی به این اهداف در صورتی امکان‌پذیر است که رویکرد سیاست خارجی ایران به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که ضمن در نظر گرفتن جایگاه قدرتی ایران، در هر دوره تاریخی شرایط و تحولات روز جهانی در نظر گرفته شود. نمی‌توان بدون توجه به تحولات جهانی و معادلات بازی قدرت در عرصه جهانی مقوله پیشرفت را پیش برد، زیرا به‌طور طبیعی هر کشوری که قصد پیشرفت داشته باشد با فرصت‌ها و چالش‌هایی روبرو خواهد شد. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ بنابراین، پیشرفت کشور بدون توجه به ظرفیت‌ها و موانع بین‌المللی امکان‌پذیر نخواهد بود. امروزه رویکرد یک‌جانبه در حوزه پیشرفت حتی برای قدرت‌های بزرگی مثل آمریکا، روسیه، چین و غیره به‌شدت غیرممکن شده است. در دنیای کنونی کشورها صرفاً از طریق همکاری در قالب سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی یا توافقات چندجانبه در موضوعات مختلف می‌توانند اهداف خود را در مسیر توسعه و پیشرفت پیگیری کنند. ما ناگزیر هستیم برای تأمین امنیت ملی و پیشرفت ایران با کشورهای دیگر روابط خود را توسعه دهیم و مسائل و مشکلات مشترک را با همکاری چندجانبه حل و فصل کنیم.

در طول تاریخ، موقعیت جغرافیایی ایران همواره اثرات مثبت و منفی زیادی بر جامعه ایران داشته است. ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی، یک کشور بین‌المللی محسوب می‌شود؛ به این معنی که خواسته و ناخواسته با بخش مهمی از مسائل و تحولات سیاسی-امنیتی و اقتصادی جهانی درگیر است. کشوری با موقعیت ایران نمی‌تواند رویکرد انزواگرایی در سیاست خارجی در پیش بگیرد. ایران به‌طور طبیعی یک بازیگر تأثیرگذار و تأثیرپذیر در عرصه بین‌المللی است. موقعیت جغرافیایی ایران به‌گونه‌ای است که از ناحیه غرب و شمال غرب با ترکیه، آذربایجان، ارمنستان، عراق، از طرف جنوب به خلیج فارس و کشورهای عربی و مسلمان حاشیه خلیج فارس، از طرف شرق و شمال شرق با کشورهای پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان همسایه است که این وضعیت ایران را به قدرت بالقوه بین‌المللی در منطقه و جهان تبدیل کرده است. (ایمانی، ۱۳۹۵: ۵۰۸۰)

وجود دو حوزه آبی استراتژیک مانند دریای خزر و خلیج فارس موقعیت منحصربه‌فردی به ایران بخشیده است. بر اساس مطالعات تاریخی، این موقعیت ویژه اگر درست مدیریت نشود در مواقعی

می‌تواند تهدید جدی محسوب شود، اما در صورت برنامه‌ریزی و مدیریت درست قطعاً یک فرصت منحصربه‌فرد خواهد بود. تصمیم‌گیران حوزه سیاست خارجی، می‌توانند با محوریت قرار دادن سیاست خارجی پیشرفت‌گرا بستر لازم برای بهره‌برداری از این موقعیت ویژه را فراهم آورند. موقعیت منحصربه‌فرد ایران می‌طلبد که جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی رویکرد چندجانبه‌گرایی در پیش بگیرد. منافع ملی ایران ایجاب می‌کند که این کشور باید در سیاست خارجی، هم با شرق شامل قدرت‌هایی مثل چین، هند، ژاپن، کره جنوبی و غیره روابط خود را توسعه دهند و هم با غرب شامل کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی. همچنین تصمیم‌گیران ایران باید نگاه ویژه‌ای به حوزه جنوبی ایران شامل کشورهای عربی و اسلامی داشته باشند. در کنار آن باید به حوزه شمال ایران شامل روسیه و همه کشورهای آسیای میانه و قفقاز توجه داشته باشند.

باید گفت یکی از راه‌های شکست انحصار کشورهای غربی در مدیریت نظام بین‌الملل، توجه به رویکرد چندجانبه‌گرایی بخصوص در قالب سازمان‌های بین‌المللی است. توجه ویژه به سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان تجارت جهانی (WTO)، آکو، دی-۸، اتحادیه اقیانوس هند، سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد، آسه‌آن، شانگهای و نهادهای غیردولتی و خصوصی می‌تواند قدرت نفوذ ایران را در عرصه جهانی افزایش دهد. از طرفی عضویت در برخی از سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان تجارت جهانی جزو ضروریات قدرتمندی یک کشور محسوب می‌شود. ایران جزو معدود کشورهایی است که متأسفانه هنوز عضو سازمان WTO نشده است. این در حالی است که بیش از ۹۵ درصد تجارت جهانی بین اعضای سازمان تجارت جهانی صورت می‌گیرد و این مسئله نشان‌دهنده جهانی‌شدن اقتصادی به‌عنوان بارزترین بُعد فرایند جهانی‌شدن است.

امروزه رویکرد چندجانبه‌گرایی مورد توجه بسیاری از کشورها بخصوص کشورهای توسعه‌یافته یا درحال توسعه موفق قرار گرفته است. برای مثال در ایالات متحده بعد از ۸ سال رویکرد تهاجمی و یک‌جانبه‌گرایانه جرج بوش، رئیس‌جمهور او با اعلام کرد که رویکرد او در سیاست خارجی چندجانبه‌گرایی خواهد بود. او با ما تا آخرین سال ریاست جمهوری خود سیاست خارجی آمریکا را بر اساس رهیافت چندجانبه‌گرایی هدایت کرد. همچنین در سال ۲۰۰۹ اتحادیه اروپا در راهبرد امنیتی خود آورده است که: «اکنون، زمانی منحصربه‌فرد برای تجدید چندجانبه‌گرایی است. در جهانی که تهدیدات جهانی، بازارهای جهانی و رسانه‌های جهانی وجود دارند، امنیت و رفاه ما، به‌طور فزاینده‌ای به سیستم چندجانبه‌گرایی مؤثر، بستگی پیدا کرده است.» (European Security Strategy, 2011) امروزه امنیت ملی تنها از طریق همکاری‌های چندجانبه جهانی تأمین می‌شود. همکاری‌های جهانی نیازمند درپیش‌گرفتن رویکرد چندجانبه‌گرایی و وجود سازمان‌های بین‌المللی کارآمد است. صرف تأکید بر قدرت نظامی و درپیش‌گرفتن رویکرد امنیتی

یک‌جانبه در سیاست خارجی مؤثر نخواهد بود و موجب به وجود آمدن مخالفان جدی نیز می‌شود. زیرا دیگر بازیگران به علت بی‌اعتمادی حاکم بر نظام بین‌الملل، رویکرد نظامی رقیب را به‌عنوان عمل برهم‌زننده موازنه قوا و تهدید جدی برای خود تلقی می‌کنند.

از دید رهیافت چندجانبه‌گرایی، تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی ایران باید به‌طور هم‌زمان از طرفی با همکاری بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و از طرف دیگر با همکاری سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی، به دنبال افزایش قدرت ایران و کسب منافع ملی و تضمین امنیت ملی باشند. در این راستا، مناطقی مثل خلیج فارس، خاورمیانه، آسیای مرکزی، آسیای میانه و قفقاز، شبه‌قاره هند، حوزه امریکای لاتین، حوزه کشورهای افریقایی و همچنین نهادهای زیرمجموع سازمان ملل متحد، سازمان کشورهای غیرمتعهد، اتحادیه اروپا، سازمان همکاری‌های شانگهای، سازمان بریکس (متشکل از برزیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی)، اتحادیه همکاری منطقه‌ای کشورهای حاشیه اقیانوس هند، کنفرانس تعامل و اعتمادسازی در آسیا، گروه دی ۸ و غیره باید به‌طور جدی در برنامه‌ریزی دستگاه سیاست خارجی کشور برای افزایش نفوذ ایران و کسب قدرت و ثروت مورد توجه قرار گیرند.

نکته دیگر اینکه در عصر جهانی‌شدن مفهوم قدرت با تحول مفهومی مواجه شده است. گذار از تمرکز بر قدرت نظامی سنتی به سایر ابعاد نوظهور قدرت، اصالت یافتن مشخصه‌های فرهنگی، هنجاری، گفتمانی و نامتقارن و اشاعه معانی غیرنظامی قدرت مانند قدرت اقتصادی، قدرت تکنولوژیک، قدرت نرم، قدرت بازیگری و قدرت اجماع‌سازی از نمادهای این تحول بوده است. همچنین افزایش نقش دیپلماسی عمومی و تأثیر فزاینده فضای مجازی بسیاری از مؤلفه‌های سیاست خارجی را دستخوش تحول کرده است. شناخت و مدیریت این دگرگونی‌ها و تحولات مفهومی باید در دستور کار تصمیم‌گیران حوزه سیاست خارجی کشور قرار گیرد. در این راستا باید گفت چندجانبه‌گرایی ضرورت یافتن پاسخ جمعی به مسائل و چالش‌های جهانی است تا جایی که حتی قدرت‌های بزرگ نیز نمی‌توانند با رفتارها و سیاست‌های یک‌جانبه به اهداف جهانی خود نائل آیند و نیاز به ائتلاف‌سازی دارند. ائتلاف‌ها عمدتاً موقتی و مقطعی بوده و موضوعات مختلف روابط خارجی کشورها را در برمی‌گیرند. رویکرد «همکاری و رقابت» جای «تقابل یا همکاری بی‌قیدوشرط» را گرفته است. بازی با حاصل جمع صفر جایگاه خود را در روابط بین‌الملل از دست داده است.

در دوران انتقالی کنونی، ایران خود یکی از منابع و موضوعات اصلی در شکل دادن به نظام بین‌المللی در حال شکل‌گیری است؛ بنابراین، در صورت ارزیابی دقیق و ایفای نقش حساب‌شده، می‌تواند قدرت خود را نهادهای و اثرگذار کند. ایران با خودباوری نقش معنایی خود را فراتر از مرزهای جغرافیایی تعریف کرده و در مورد آینده نظام بین‌الملل دارای دیدگاه مستقل و قابل‌ارائه است. همچنین سابقه غنی تمدنی و خاستگاه فرهنگی ایران، توان عملی برای نقش‌آفرینی جهانی



در حوزه نظام معنایی برای ایران فراهم کرده است. ([www.Mfa.gov.ir](http://www.Mfa.gov.ir)) رسیدن به اهداف ملی ایران در صورتی مقدور است که رویکرد چندجانبه‌گرایی مورد توجه مقامات کشور باشد، زیرا معادلات جهانی بسیار ناعادلانه است و هیچ کشور معترضی به‌تنهایی قادر به اصلاح این مسائل نیست، در نتیجه راه اصلاح رویه‌های مدیریت جهانی و عادلانه‌تر کردن آن و حل چالش‌های منطقه‌ای و جهانی این است که جمهوری اسلامی ایران از رویکرد چندجانبه‌گرایی بهره‌گیرد. به‌طور کلی باید گفت با درپیش گرفتن رویکرد چندجانبه‌گرایی، یک بازیگر می‌تواند نقش جدی در عرصه بین‌المللی بازی کند. برای مثال ایالات متحده آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم و در دوره جنگ سرد رویکرد چندجانبه‌گرایی را در راستای مدیریت معادلات جنگ سرد و بازسازی نظم بین‌المللی در پیش گرفت. از طرفی آمریکا از تثبیت سازمان ملل حمایت کرد و وضعیتی را طراحی کرد تا یک شورای قوی برای قدرت‌های بزرگ تشکیل شود. همچنین این کشور چندجانبه‌گرایی را در اروپا در قالب جامعه اقتصادی اروپا تقویت کرد. در خصوص تجربه سیاست خارجی کشور چین در چند سال اخیر می‌توان گفت که این کشور با تأسیس بانک توسعه زیرساخت آسیا به دنبال ایفای نقش بیشتر در نظام بین‌الملل و مقابله با تصمیم‌گیری‌های ناعادلانه در سازمان‌های بین‌المللی است. با تأسیس این بانک، چین دنبال نقش‌آفرینی جدی در نگارش قواعد بین‌المللی است تا اینکه صرفاً رعایت‌کننده یا مخالفت‌کننده با قواعد بین‌المللی نباشد. در سال ۲۰۱۳ مقامات پکن اعلام کردند که درصدد تأسیس یک بانک بین‌المللی هستند که منابع مالی و اعتباری را برای ساخت و گسترش زیرساخت‌هایی شامل بندرها، مسیرهای ریلی، جاده‌ها، فرودگاه‌ها، استخراج و انتقال انرژی و ارتباطات مخابراتی با همکاری دیگر دولت‌ها فراهم کند. در ادامه در آوریل ۲۰۱۵، ۵۷ دولت برای تأسیس این بانک موافقت و درخواست خود را اعلام کردند. از اوایل ۲۰۱۶ این بانک فعالیت‌های خود را رسماً با اعطای وام به کشورهای کمتر توسعه‌یافته آسیایی شروع کرد. ([www.Aiib.org](http://www.Aiib.org)) امروزه این نهاد مالی بین‌المللی قدرت نفوذ فراوانی در عرصه بین‌المللی و در رقابت با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی پیدا کرده است.

در کل باید گفت که جهانی‌شدن بسیاری از موضوعات و چالش‌ها و محدود شدن اختیارات دولت‌ها سبب شده است تا چندجانبه‌گرایی به یکی از الزامات سیاست خارجی همه کشورها تبدیل شود. امروزه موضوعاتی نظیر حقوق بشر، محیط‌زیست، مبارزه با تروریسم، امحای سلاح‌های کشتار جمعی موضوعات مشترک اکثریت کشورها و افکار عمومی جهانی محسوب می‌شود و پرداختن به این مسائل و حل‌وفصل آن نیازمند همکاری با دیگر بازیگران بین‌المللی است. همچنین این حوزه‌ها محور فعالیت بسیاری از سازمان‌های دولتی و غیردولتی را تشکیل می‌دهد. پدیده تروریسم، جنگ و بی‌ثباتی فعلی در مناطق پیرامونی ایران از اساسی‌ترین موانع پیشرفت ایران است. کنترل و مدیریت این مسئله نیازمند درپیش گرفتن رویکرد چندجانبه‌گرایی

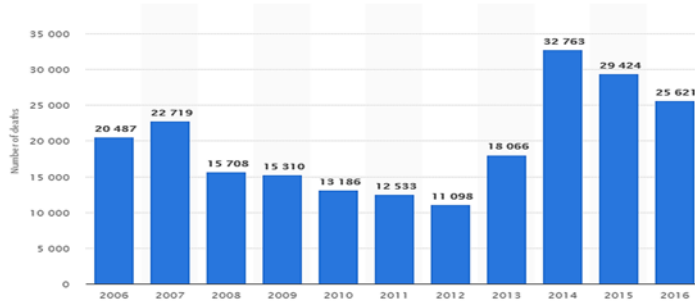
در سیاست خارجی است. با اتخاذ این رویکرد ایران می‌تواند با همکاری کشورهای تأثیرگذار و همچنین سازمان‌های بین‌المللی، زمینه ایجاد صلح و ثبات را در منطقه خاورمیانه که هدف مشترک دیگر بازیگران این منطقه محسوب می‌شود، فراهم آورد. با ثبات‌سازی محیط پیرامونی ایران از پیش‌شرط‌های اصلی پیشرفت و قدرتمندی ایران است.

#### ۴. چندجانبه‌گرایی و مبارزه با تروریسم در خاورمیانه؛ راهکارها و الزامات

پدیده تروریسم در منطقه خاورمیانه اساسی‌ترین چالشی است که کشورهای این منطقه را درگیر کرده است. میلیون‌ها نفر از شهروندان کشورهای این منطقه قربانی و آواره این پدیده هستند. دولت‌های منطقه برای مقابله با تروریسم با درپیش‌گرفتن رویکرد یک‌جانبه هزینه‌های زیادی پرداخته‌اند، اما نتیجه این تلاش‌ها امیدوارکننده نیست. باید گفت کارآمدترین راه مقابله با پدیده تروریسم در منطقه خاورمیانه این است که کشورهای منطقه بخصوص بازیگران قدرتمند، رویکرد چندجانبه‌گرایی را در سیاست خارجی خود در پیش بگیرند و با همکاری هم به جنگ با تروریسم بپردازند. برخی مزایا و فواید درپیش‌گرفتن رویکرد چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی در راستای مبارزه با تروریسم عبارت است از: کسب مشروعیت بین‌المللی، ارتقای وزن دیپلماسی کشور در معادلات منطقه‌ای و جهانی، ارتقای فضای تعامل بین کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تقویت جایگاه اقتصادی، سیاسی-امنیتی کشور در منطقه و جهان، حل‌وفصل تهدیدات و تنش‌های منطقه‌ای، تشویق دولت‌های منطقه خاورمیانه به توسعه روابط با ایران، افزایش نفوذ منطقه‌ای کشور، هنجارسازی و نهادسازی در منطقه، نظارت و پیگیری راحت تعهدات طرفین در مبارزه با تروریسم، حل‌وفصل تعارضات و اختلافات با همسایگان با کمترین هزینه و بیشترین دستاورد.

تروریسم یکی از اساسی‌ترین چالش‌های دولت‌ها در اوایل قرن ۲۱ است. امروزه تروریسم تهدید مشترک همه ملت‌هاست. تروریسم دیگر محدود به منطقه یا ملتی خاص نیست، بلکه این پدیده، امنیت ملی همه کشورها را به خطر انداخته است. هزینه‌ها و تلفات ناشی از تروریسم روزبه‌روز در حال افزایش است. این وضعیت نشان‌دهنده آن است که روش‌های رایج در مبارزه با تروریسم چندان مؤثر نیست و دولت‌ها باید با همکاری چندجانبه رویکرد مؤثری در این زمینه در پیش بگیرند.

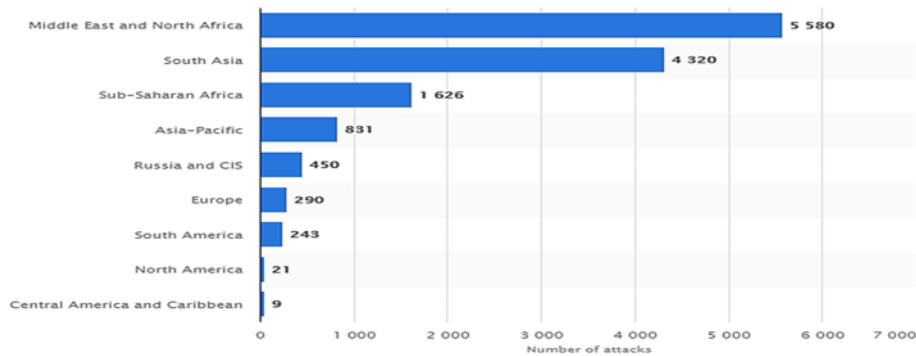
نمودار ۱: آمار تلفات ناشی از تروریسم در سراسر جهان، بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶



(منبع: [www.Statista.com](http://www.Statista.com))

در مورد منطقه خاورمیانه باید گفت که در حال حاضر شاهد این هستیم که تحولات این منطقه روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود. امروزه خاورمیانه و آسیای جنوب غربی تبدیل به ناامن‌ترین جای دنیا شده است. بیشترین حملات گروه‌های تروریستی در این منطقه صورت می‌گیرد. نمودار زیر نشان‌دهنده حملات تروریستی در دنیا بر اساس منطقه است.

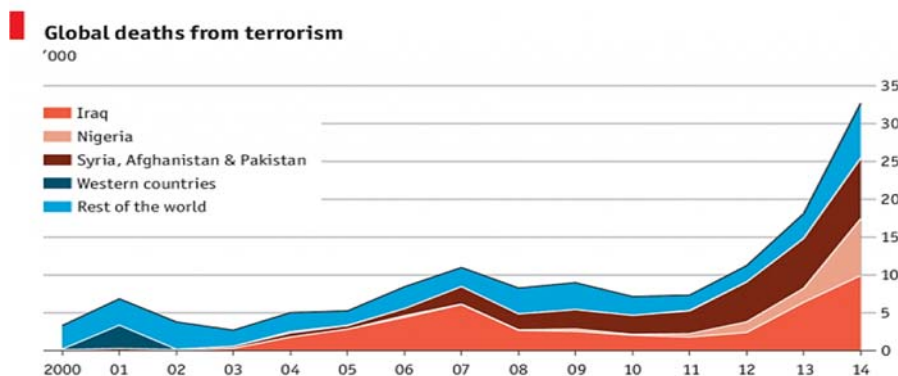
نمودار ۲: حملات تروریستی به تفکیک مناطق در سال ۲۰۱۴



(منبع: [www.Statista.com](http://www.Statista.com))

همچنین باید گفت که بیشترین مرگ‌ومیر ناشی از حملات تروریستی مربوط به منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است.

نمودار ۳: مرگ‌ومیر ناشی از تروریسم در سال ۲۰۱۴



(منبع: [www.Economist.com](http://www.Economist.com))

آیا می‌توان مشکل تروریسم را در منطقه را با روند فعلی ریشه‌کن کرد؟ باید گفت که اقدامات یک‌جانبه کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در مبارزه با تروریسم در چند سال گذشته نه تنها مؤثر نبوده، بلکه خود باعث تشدید حملات تروریستی و دامن زدن هرچه بیشتر به این حملات بوده است. واقعیت مسئله این است که بسیاری از کشورهای منطقه گروه‌های تروریستی را به خوب و بد تقسیم کرده‌اند. این کشورها با حمایت مستقیم و غیرمستقیم لجستیکی، اطلاعاتی و مالی از برخی گروه‌های تروریستی برای ضربه زدن به رقیب‌های خود در منطقه استفاده می‌کنند. ایده این پژوهش آن است که تا زمانی که کشورهای منطقه رویکرد مشترکی در مبارزه با تروریسم در پیش نگیرند، وضعیت امنیتی خاورمیانه بهتر نخواهد شد. دور از انتظار نیست که ادامه روند فعلی به درگیری مستقیم نظامی برخی کشورهای منطقه نیز بیانجامد.

در اینجا به چند مسئله به‌عنوان راهکار اساسی و الزاماتی در خصوص به‌کارگیری رهیافت چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی ایران و دیگر بازیگران منطقه‌ای در ریشه‌کنی تروریسم می‌پردازیم.

#### ۴-۱- ضرورت همکاری و ائتلاف ایران، ترکیه، مصر و عربستان در ریشه‌کنی تروریسم

هرچند که چندین نهاد و سازمان منطقه‌ای بزرگ از جمله سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس و غیره در خاورمیانه شکل گرفته است، اما روابط بین کشورهای این منطقه در حوزه‌های مختلف در پایین‌ترین سطح ممکن است. روابط کشورهای منطقه از نظر سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، همکاری‌های علمی و غیره بسیار ناچیز است. اقتصاد رانتهی بیشتر کشورهای خاورمیانه از مهم‌ترین موانع پیشرفت و همگرایی اقتصادی منطقه‌ای است. از دهه‌ها پیش این منطقه درگیر جنگ و ناامنی بوده است. به دلیل آنکه منطقه خاورمیانه استراتژیک‌ترین بخش کره زمین است، به این خاطر همیشه کانون بخشی از تحولات سیاسی-امنیتی عرصه بین‌الملل بوده است. قدرت‌های بزرگ همواره در این منطقه در راستای منافع ملی

خود نقش آفرینی کرده‌اند. اساساً یکی از اصلی‌ترین مشکلات خاورمیانه دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در معادلات این منطقه است. حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه نشان‌دهنده وجود خلأ قدرت در منطقه است.

بر اساس شواهد علمی امروزه تروریسم مهم‌ترین معضل خاورمیانه است. تلاش‌های یک‌جانبه دولت‌های منطقه‌ای برای مبارزه با تروریسم چندان مؤثر نبوده است. ریشه‌کنی تروریسم در منطقه تنها زمانی اتفاق خواهد افتاد که کشورهای منطقه اقدامات مشترکی را در قالب برنامه منسجم و بلندمدت در پیش بگیرند. چهار کشور ایران، ترکیه، مصر و عربستان به لحاظ جایگاه قدرتی اصلی‌ترین بازیگران این منطقه محسوب می‌شوند. سیاست‌های دیگر کشورهای منطقه به نوعی تحت تأثیر یا همسو با یکی از این چهار کشور اصلی است. اگر رهبران این چهار کشور مسئله تروریسم را به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش سیاسی-امنیتی خاورمیانه و شمال آفریقا و تهدید مشترک علیه امنیت ملی همه کشورهای منطقه، نقطه شروع همکاری در نظر بگیرند، به تدریج زمینه مناسبی برای همکاری‌های بیشتر و گسترده‌تر در منطقه شکل می‌گیرد. در بین این چهار کشور، روابط ایران و عربستان بعد از روی کار آمدن رهبران جوانی چون محمد بن سلمان و عادل جبر در عربستان دچار تنش بیشتری شده است. تصمیم‌گیران جدید عربستان تجربه و پختگی لازم را برای مدیریت سیاست‌های منطقه‌ای ندارند. با این حال، به دلیل آنکه تروریسم تهدید مشترک علیه امنیت ملی همه کشورهای منطقه به‌خصوص چهار کشور ایران، ترکیه، مصر و عربستان محسوب می‌شود، علی‌رغم همه اختلافات و تعارضاتی که در روابط این چهار کشور وجود دارد، به نظر می‌رسد امکان همکاری سیاسی-امنیتی و حتی ائتلاف این چهار کشور علیه تروریسم وجود دارد. نزدیک شدن هرچه بیشتر این چهار کشور به هم باعث همگرایی همه کشورهای خاورمیانه در موضوع مبارزه با تروریسم خواهد شد. کشورهای منطقه اشتراکات فراوانی دارند که خود فاکتور مهمی در بحث همکاری و ائتلاف منطقه‌ای هست.

بر اساس نظریات واقع‌گرایی اشتراکات دینی، هویتی و فرهنگی بین چهار کشور و دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه در کنار وجود تهدیدات تروریستی مشترک، زمینه مناسبی برای شکل‌گیری همکاری‌های پایدار به وجود می‌آورد. به‌زعم استفان والت انسجام ایدئولوژیک و هویت مشترک سبب شکل‌گیری و پایداری اتحادها می‌شود. زیرا شباهت و انسجام سیاسی و ایدئولوژیک، سبب شکل‌گیری هویتی مشترک می‌شود و باعث افزایش اعتماد بین اعضای اتحاد می‌شود. (قوام و ایمانی، ۱۳۹۱: ۶۲) والت معتقد است که «همبستگی‌های ایدئولوژیک زمانی وجود دارند که دو یا چند کشور مستقل ارزش‌های سیاسی و اهداف مشترک داشته باشند. یکپارچگی عقیدتی و ایدئولوژیک می‌تواند نزاع‌های داخل اتحاد را کاهش دهد و تعهد به اهداف اساسی مشابه می‌تواند به تداوم اتحاد در مدت‌ها بعد از اینکه منطق اصلی خود اتحاد از بین رفته باشد، کمک کند.» (Walt, 1997: 168) از طرفی، پروفیسور کنت والتز تأکید می‌کند که موازنه

قدرت علت اصلی تشکیل اتحاد است. (Noe Oest, 2007: 28-29) اما نظریه موازنه تهدید استفان والت تشکیل اتحاد را پاسخی به تهدیدات خارجی می‌داند نه صرفاً افزایش قدرت یک کشور دیگر. والت بر این باور است که اساس تشکیل اتحادها در سطح بین‌الملل توازن تهدید است نه توازن قدرت؛ دولت‌ها در واکنش به تهدیدات با یکدیگر متحد می‌شوند. (Goodrich, 2004: 1)

نقشه شماره ۱: موقعیت ایران، ترکیه، مصر و عربستان در نقشه خاورمیانه



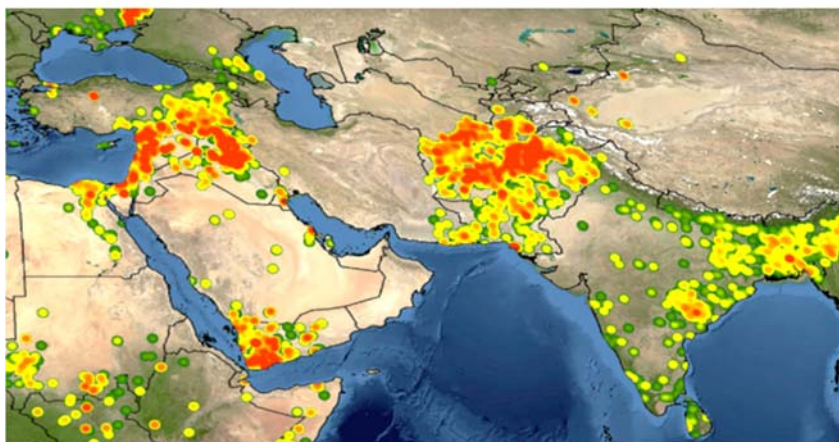
(منبع: [shadedrelief.com/political](http://shadedrelief.com/political))

در خصوص کشورهای خاورمیانه باید گفت که با توجه به تنش‌ها و تعارضات فعلی بین برخی از بازیگران مهم خاورمیانه از جمله ایران و عربستان، در کوتاه‌مدت امکان شکل‌گیری اتحاد بین کشورهای منطقه امکان‌پذیر نیست، اما بر اساس نظریات واقع‌گرایی دو عامل مهم وجود دارد که زمینه لازم برای همکاری و ائتلاف (نه اتحاد) منطقه‌ای را در کوتاه‌مدت شکل می‌دهند که عبارت‌اند از: اول، اشتراکات هویتی و فرهنگی؛ دوم، وجود پدیده تروریسم به‌عنوان تهدید مشترک. به نظر می‌رسد محور قرار دادن این دو عامل در راستای همکاری منطقه‌ای در کنار همکاری‌های تجاری و اقتصادی می‌تواند شروع خوبی برای همگرایی همه‌جانبه باشد. بدون همکاری چهار کشور ایران، ترکیه، مصر و عربستان، حل مسئله تروریسم در منطقه تقریباً محال خواهد بود.

با توجه به موقعیت استراتژیک ایران و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی و منطقه‌ای این کشور، باید گفت که تصمیم‌گیران ایران می‌توانند زمینه لازم برای شکل‌گیری ائتلاف منطقه‌ای در مبارزه با تروریسم را فراهم کنند. ایران همواره قربانی تروریسم بوده است. محیط پیرامونی ایران سال‌هاست که عرصه تاخت‌وتاز گروه‌های تروریستی شده و تحت تأثیر این پدیده، امنیت ملی بسیاری از همسایگان ایران به خطر افتاده است. هرچند که ایران در مقایسه با دیگر کشورهای خاورمیانه‌ای به جزیره ثبات منطقه تبدیل شده است، اما باید گفت که ناامنی در منطقه خاورمیانه

و محیط پیرامونی ایران تبعات جبران‌ناپذیری برای منافع ملی و امنیت ملی ایران دارد. امروزه ناامنی در منطقه خاورمیانه مانع اصلی در مسیر پیشرفت و توسعه ایران است. زیرا پیش‌شرط توسعه و قدرتمندی ایران این است که این کشور در داخل و محیط پیرامونی خود ثبات و امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار اقتصادی را داشته باشد؛ بنابراین، خاورمیانه بدون امنیت ثبات نمی‌تواند مسیر توسعه را طی کند.

نقشه ۲: حملات تروریستی در خاورمیانه و محیط پیرامونی ایران در سال ۲۰۱۵



(منبع: Global Terrorism Database(GTD))

#### ۴-۲- تعریف مشترک از تروریسم

نکته مهم دیگر در راستای درپیش‌گرفتن رویکرد چندجانبه‌گرایی در مبارزه با تروریسم، تعریف مشترک از این پدیده و مصادیق آن است. در ادبیات علمی تعاریف گوناگونی از مفهوم تروریسم وجود دارد. فرهنگ لغت آکسفورد تروریسم را تلاش برای ضربه زدن به افراد خاص یا ایجاد ارعاب و وحشت دانسته است. فرهنگ و بستر تروریسم را ایجاد وحشت یا وضعیت وحشت، و همچنین آن را اعمال حاکمیت یا مبارزه با حاکمیت از طریق ارعاب می‌داند. (En.wikipedia) در جایی دیگر، فرهنگ هریتج امریکایی تروریسم را کاربرد قوا به صورت غیرقانونی و خطرآفرین و خشونت‌بار می‌داند که از سوی یک فرد یا یک گروه سازمان‌یافته علیه مردم یا امکان به قصد ایجاد ارعاب یا اجبار دولت‌ها یا شرکت‌ها صورت می‌گیرد و عمدتاً دارای اهداف سیاسی و ایدئولوژیکی است. (The American Heritage Dictionary, 2000) در تعریفی دیگر، تروریسم عبارت است از استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت به‌عنوان یک روش نظامی یا یک استراتژی رسیدن به اهداف خاص. (Laqueur, Walter: 1987:143) اندیشمندی دیگر تروریسم را استفاده از خشونت به صورت تصادفی علیه اهداف غیرنظامی برای ترساندن یا ایجاد وحشت عمومی برای دستیابی به اهداف سیاسی می‌داند. (Alexander, 1976: )

14) وزارت دفاع امریکا تروریسم را استفاده حساب‌شده از خشونت غیرقانونی یا تهدید به استفاده از خشونت غیرقانونی برای ایجاد وحشت برای مجبور کردن یا وادار کردن حکومت‌ها و جوامع در دستیابی به اهدافی که عمدتاً سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیکی هستند، می‌داند. (Department of Defense Dictionary of Military, 2008: 241) همچنین در اسناد سازمان ملل متحد در ماده پنج کنوانسیون بین‌المللی مقابله با بمب‌گذاری‌های تروریستی مصوب ۱۹۹۸، فعالیت‌های تروریستی را اقدامات جنایی که قصد آن‌ها ایجاد وحشت در عموم مردم یا گروه خاص است، می‌داند و اعلام می‌کند این دسته اعمال تحت هیچ شرایطی حتی ملاحظات سیاسی، قومی، مذهبی، فلسفی، ایدئولوژیکی، یا موارد مشابه قابل توجیه نیست. (International Convention, 1998: 7) در قطعنامه مجمع عمومی شماره ۵۴/۱۱۰ مصوب ۲ فوریه ۲۰۰۰ در پاراگراف دوم، تروریسم به‌عنوان اقدامات جنایی که به قصد ایجاد وحشت در عموم مردم یا گروه خاصی از آن‌ها با اغراض سیاسی صورت می‌گیرد، تعریف شده است. (Koechler, 2002: 4-5)

با اینکه هیچ توافق کلی روی تعریف واحد از تروریسم وجود ندارد، ولی به نظر می‌رسد محورهای اصلی پدیده تروریسم عبارت‌اند از اینکه اولاً، تروریسم یک پدیده کاملاً سیاسی است؛ ثانیاً، تروریسم همراه با خشونت یا تهدید به خشونت است؛ ثالثاً تروریسم دارای عقلانیت سودمحور است؛ رابعاً، تروریسم یک پدیده معنادار و حامل پیامی است. معنا یا پیام آن، این است که یک تروریست در طرح خواسته‌های خود و در رسیدن به هدف خود و در رساندن منظور خود به طرف‌های مقابل (که عمدتاً دولت‌ها هستند) به دلیل شرایط حاکم بر وضعیت موجود از راه‌هایی غیر از ترور از جمله گفت‌وگو و مذاکره درمانده است و به نظر خودش برای حفظ بقای خود به آخرین راه‌حل یعنی ترور دست زده است. (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۴۸)

یکی از مشکلات خاورمیانه این است که واحدهای سیاسی این منطقه برداشت‌ها و تعاریف متفاوتی از مسئله تروریسم دارند که بیشتر متأثر از دغدغه‌های ملی و همین‌طور شخصیت تصمیم‌گیران این کشورها است تا واقعیت‌های منطقه‌ای. گاهی گروهی ناراضی در یک کشور از نظر دولتی یک گروه آزادی‌خواه نامیده می‌شود و از نظر دولتی دیگر یک گروه تروریستی. تا زمانی که کشورهای منطقه به‌خصوص ایران، ترکیه، مصر و عربستان در تعریف تروریسم و مصادیق آن به نقطه مشترکی دست نیابند، همچنان شاهد تعارضات و اختلافات در این زمینه خواهیم بود؛ بنابراین، دستیابی به تعریف مشترک از مفهوم تروریسم در مسیر مبارزه با آن پدیده بسیار حیاتی است. در این پژوهش منظور از تروریسم همه گروه‌های بنیادگرا و افراطی منطقه از جمله القاعده، داعش، جبهه النصره، پ.ک.ک، پژاک و غیره است که تحت لوای ایدئولوژی اسلامی، سوءاستفاده از ارزش‌های دینی و مذهبی، قومی، یا مسائل سیاسی و فرهنگی برای رسیدن به اهداف منفعت‌طلبانه خود به ابزارهای نظامی و خشونت‌آمیز متوسل می‌شوند یا دولت‌ها و ملت‌ها را تهدید به اعمال خشونت‌آمیز می‌کنند.



### ۴-۳- پرهیز از یک‌جانبه‌گرایی در مبارزه با تروریسم

یکی از الزامات ریشه‌کنی تروریسم در خاورمیانه پرهیز از یک‌جانبه‌گرایی در مبارزه با تروریسم است. در دنیای جهانی‌شده دیگر دولت‌ها نمی‌توانند بدون در نظر گرفتن منافع و سیاست‌های دیگر بازیگران به‌طور یک‌جانبه در عرصه سیاست خارجی اقدام کنند. امروزه دنیا در مسیر به‌هم‌پیوستگی متقابل حرکت می‌کند. برخلاف وضعیت گذشته، تعقیب سیاست‌های یک‌جانبه دیگر مؤثر نیست. امروزه اکثر دولت-ملت‌ها به این درک رسیده‌اند که یک‌جانبه‌گرایی و انزواگرایی امتیازی محسوب نمی‌شود. عمل جمعی و همکاری مشخصه‌های برجسته عصر جدید شده است. چندجانبه‌گرایی به معنای جست‌وجوی جمعی برای یافتن راه‌حل‌های مشترک برای مشکلات مشترک، مطلوبیت و اثربخشی عملی خود را در هر دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به اثبات رسانده است. امروزه در دنیای به‌هم‌پیوسته که همه کشورها منافع و امنیت خود را در تعامل و ارتباطات تعریف می‌کنند، در خاورمیانه شاهد رویکرد یک‌جانبه در سیاست خارجی، رقابت تسلیحاتی و نظامی شدید هستیم.

خریدهای تسلیحاتی کلان کشورهای حاشیه خلیج فارس از آمریکا، روسیه، فرانسه و غیره نشان‌دهنده این است که قواعد بازی در منطقه حاصل جمع صفر است. اتخاذ سیاست‌های برد-باخت و عدم توجه به رویکرد چندجانبه‌گرایانه در مبارزه با تروریسم نه تنها مشکل امنیتی خاورمیانه را حل نخواهد کرد، بلکه به تهدیدات برآمده از گروه‌های تروریستی نیز دامن خواهد زد. بنا به گفته عباس عراقچی معاون وزیر امور خارجه، «غرب آسیا و خاورمیانه به بزرگ‌ترین بازار تسلیحاتی دنیا تبدیل شده است. بزرگ‌ترین خریداران تسلیحات متعارف عربستان، قطر، امارات و ترکیه هستند. مسائل داخلی کشورها و نگرانی آن‌ها از آینده خود از دلایل افزایش خریدهای تسلیحاتی در منطقه است.» ([www.Irna.ir](http://www.Irna.ir)) قراردادهای و تعهدات نظامی تمام کشورهای عربی خلیج فارس، مصر، عراق، اردن و ترکیه حاکی از این سیاست است که حتی در دوره اوپاما نه تنها خرید تسلیحات کاهش پیدا نکرد، بلکه شاهد افزایش آن بودیم. (سریع‌القلم، ۱۳۹۶: ۱۰۶) این‌گونه مسائل نشان‌دهنده آن است که کشورهای منطقه در سیاست خارجی به‌طور یک‌جانبه رفتار می‌کنند و بیشتر در قالب قطب‌بندی ناشی از رقابت جهانی و منطقه‌ای آمریکا و روسیه نقش ایفای می‌کنند. این رویکرد در مقابله با تهدیدات مشترک منطقه‌ای مثل تروریسم جوابگو نیست و کشورهای منطقه باید رویکرد چندجانبه‌گرایی را سرمشق خود قرار دهند.

### ۴-۴- پیگیری سیستم امنیت جمعی

یکی دیگر از الزامات ریشه‌کنی تروریسم در منطقه تعریف مشترک از امنیت و دستیابی به سیستم امنیت جمعی با کشورهای هم‌جوار است. امروزه مهم‌ترین مسئله‌ای که کشورهای منطقه را به لحاظ امنیتی به‌شدت درگیر کرده و روابط بسیاری از آن‌ها را مخدوش کرده، پدیده تروریسم است. تفاوت دیدگاه در خصوص تروریسم و عدم تعریف مشترک از این مسئله باعث تنش‌آمیز

شدن روابط کشورهای منطقه شده است. تا حدی که گاهی خود این کشورها از برخی از گروه‌های تروریستی علیه دیگر کشورها حمایت مالی و نظامی می‌کنند. تروریسم مشکل مشترکی برای کل ملت‌ها است، اما عدم دستیابی به تعریف واحد و متعارض بودن منافع کشورها باعث شده خود پدیده تروریسم تبدیل به عرصه رقابت برای ضربه زدن به حریف شده است. یک گروه تروریستی از نظر یک دولت تروریست است و از نظر دولت دیگر تروریست نیست. واقعیت مسئله این است که هر گروهی که از راه‌های خشونت‌بار و مسلحانه دنبال دستیابی به اهداف خود باشد، تروریست است. البته باید به این نکته مهم اذعان داشت که ظهور تروریسم منطقه خاورمیانه ناشی از نبود دموکراسی در منطقه و وجود حکومت‌های مستبد و تمامیت‌خواه است. وقتی گروهی نتواند از راه مسالمت‌آمیز خواسته خود را مطرح کند، به تدریج دست به سلاح می‌برد؛ مخصوصاً اگر آن گروه دارای ایدئولوژی متفاوت با حاکمیت یک کشور باشد؛ بنابراین، وجود گروه‌های ناراضی در درون کشورهای منطقه و عدم حل و فصل مسالمت‌آمیز مطالبات آن‌ها نقطه شروعی برای پدیده تروریسم است.

در مرحله بعد، دخالت قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای این مسئله را تشدید می‌کند. باید گفت یکی از راه‌های از بین بردن تروریسم در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا ایجاد سیستم امنیت جمعی است. شکل‌گیری سیستم امنیت جمعی منطقه‌ای بهترین راه تأمین امنیت کشورهای منطقه است؛ سیستم امنیتی که مفاهیمی نظیر تروریسم، تهدید، ناامنی و امنیت، و غیره را با در نظر گرفتن منافع همه کشورهای منطقه و به‌طور مشترک تعریف کند. در صورت شکل‌گیری سیستم امنیت جمعی می‌توان به امنیت پایدار در منطقه امید داشت. امنیتی که پیش‌شرط توسعه و پیشرفت کشورهای منطقه است. (ایمانی، ۱۳۹۷: ۱۴) تصمیم‌گیران ایران باید در راستای تقویت امنیت ملی و پیشبرد برنامه‌های توسعه ملی در تشکیل سیستم امنیت جمعی منطقه‌ای پیش‌قدم شوند. در این خصوص لازم است ایران تعارضات و اختلافات خود را با همسایگان بخصوص کشورهای عربی مثل عربستان و همین‌طور مصر حل و فصل کند. همچنین ایران باید در کنار کشورهای منطقه‌ای با قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز در خصوص مسائل امنیتی خاورمیانه و با هدف رسیدن به راه‌حل مشترک در مبارزه با تروریسم در تعامل باشد.

#### ۴-۵- از بین بردن عوامل و بسترهای داخلی ظهور گروه‌های تروریستی

یکی از راهکارهایی که در ریشه‌کنی تروریسم در خاورمیانه بسیار مؤثر است، از بین بردن عوامل و زمینه‌هایی است که موجب شکل‌گیری گروه‌های تروریستی می‌شود. در این باره به چند مؤلفه اشاره می‌شود:

توسعه اقتصادی و ریشه‌کنی فقر: یکی از دلایل اصلی که زمینه ظهور گروه‌های تروریستی را فراهم می‌کند توسعه‌نیافتگی و وجود فقر گسترده در خاورمیانه و شمال آفریقا است. در حال حاضر، رهبران برخی از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا نه تنها دغدغه بهبود رفاه مردم خود

را ندارند، بلکه خود نیز در فساد ساختاری کشورشان دست دارند. بسیاری از گروه‌های تروریستی منطقه، نیروهای خود را از بین افرادی جذب می‌کنند که از وضعیت اقتصادی زندگی خود به شدت ناراضی هستند و از ارتقای کیفیت زندگی خود، برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی و دستیابی عادلانه به خدمات دولتی ناامید شده‌اند. بیشتر جوانانی که جذب گروه‌های تروریستی همچون داعش شده‌اند برآمده از قشر فقیر جامعه بودند؛ بنابراین، توسعه‌نیافتگی منطقه بستر مناسبی برای رشد گروه‌های تروریستی به وجود می‌آورد. «وجود مسائلی از قبیل فقر، عدم توسعه، جمعیت زیاد، تخریب‌های زیست‌محیطی و تقلیل منابع از مشخصه‌های کشورهای کمتر توسعه‌یافته است.» (احمدی‌پور، ۱۳۸۹: ۹۹)

توجه دولت‌های منطقه به رفاه شهروندان و تلاش برای از بین بردن شکاف طبقاتی، انواع ناعادالتی‌ها، فساد، تبعیض و غیره به تدریج باعث خواهد شد که شهروندان این منطقه به آینده کشور خود امیدوار شوند. نتیجه این مسئله افزایش مشروعیت دولت‌های منطقه و کاهش زمینه ظهور تروریسم است.

آموزش: سیستم آموزشی در بیشتر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا ناکارآمد و سنتی بوده و نیازمند اصلاحات جدی است. ایجاد خدمات آموزشی به‌روز، یکپارچه و عادلانه، توجه به برابری جنسیتی، زدودن تعصبات مذهبی و ترویج تساهل مذهبی و قومی از ضروری‌ترین اصلاحاتی است که در سیستم آموزشی بسیاری از کشورهای منطقه باید انجام بشود.

توسعه سیاسی-اجتماعی: وجود حکومت‌های پادشاهی و دیکتاتوری، نبود گردش آزاد نخبگان، نبود انتخابات آزاد و عادلانه، فقدان مشروعیت سیاسی، فقدان احزاب سیاسی واقعی، عدم شکل‌گیری نهادها و تشکل‌های مدنی، شکاف طبقاتی شدید، نبود رسانه‌های آزاد و مستقل، سیستم قضایی غیرمستقل، دخالت نظامیان در سیاست و از همه مهم‌تر وجود دولت‌های رانتیر و غیره از مهم‌ترین معضلات سیاسی-اجتماعی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا است. این مشکلات ساختاری در منطقه باعث می‌شوند که برخی نیروهای اجتماعی در این کشورها نتوانند از راه‌های قانونی و مسالمت‌آمیز مطالبات و حقوق خود را پیگیری کنند. در نتیجه، به تدریج این نیروها به علت عدم توجه حکومت به مطالبات آن‌ها به راه‌های خشونت‌آمیز متوسل می‌شوند و با اقدامات قهرآمیز و مسلحانه به مقابله با دولت‌های مستقر می‌پردازند. «فقر، عدم توسعه‌یافتگی و وجود حکومت‌های خودکامه باعث شده تا مردمان این منطقه راه مشارکت در قدرت و پیاده کردن اصول خود را در فعالیت‌های غیرمسالمت‌آمیز جست‌وجو کنند.» (حیدری، ایوب، ۱۳۹۳: ۵۸)

#### ۴-۶- همراه کردن دیگر بازیگران منطقه‌ای از طریق تقویت یا ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای

چهار کشور ایران، ترکیه، مصر و عربستان باید در تقویت و ایجاد نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و همراه کردن دیگر بازیگران منطقه‌ای با هدف ایجاد امنیت پایدار و ریشه‌کنی تروریسم در

خاورمیانه پیش‌قدم شوند. ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی منطقه بخصوص کشور ایران پتانسیل لازم برای پیگیری این هدف راهبردی را دارد. کشور ایران به لحاظ دینی، قومی و زبانی با همه کشورهای همسایه و هم‌جوار دارای اشتراکات قوی و مستحکمی است. ایران با کشورهای ترکیه، آذربایجان و ترکمنستان در بحث قومیت ترک و زبان ترکی، با کشورهای گرجستان، تاجیکستان و افغانستان در زبان فارسی و با کشورهای عراق، سوریه، ترکیه در بحث قومیت کرد، با کشورهای حاشیه خلیج فارس و به‌طورکلی خاورمیانه و شمال آفریقا در فرهنگ اسلامی، همین‌طور با کشورهای پاکستان، هند، مالزی و اندونزی در فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی دارای اشتراکات فراوانی است.

در حوزه سیاست خارجی و در راستای دیپلماسی عمومی این ظرفیت‌ها قدرت نرم ایران محسوب می‌شود. در صورتی که تصمیم‌گیران ایران در برنامه‌ریزی داخلی و سیاست خارجی به این ظرفیت‌ها توجه جدی داشته باشند، به تدریج زمینه همگرایی فرهنگی منطقه‌ای را فراهم خواهد کرد. از جمله اهدافی که دستگاه سیاست خارجی ایران باید پیگیری کند تقویت روند چندجانبه‌گرایی، ائتلاف‌سازی سیاسی با کشورهای همسو و مشارکت فعال در شکل‌دهی هنجارها و قواعد منطقه‌ای و جهانی بر اساس منافع ملی است. همچنین برای ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی در منطقه، به‌ویژه حوزه جغرافیایی ایران بزرگ با هدف همگرایی و ارتقای هویت ایرانی می‌توان با کشورهای دیگر منطقه همکاری کرد. در این زمینه در چند سال اخیر اقدام خوبی توسط وزارت خارجه با عنوان «دیپلماسی نوروز» انجام گرفته است که می‌تواند الگوی خوبی برای نهادسازی در دیگر حوزه‌های مشترک فرهنگی در منطقه باشد. در جدول زیر اشتراکات فرهنگی، قومی، زبانی ایران با برخی کشورهای هم‌مرز و هم‌جوار ذکر شده است.

جدول ۱: اشتراکات فرهنگی، قومی، زبانی ایران با کشورهای منطقه

برخی کشورهای خاورمیانه‌ای و آسیایی			
کشور	اشتراک زبانی با ایران	اشتراک قومی با ایران	اشتراک در دین و مذهب
ترکیه	زبان ترکی	قوم ترک	دین اسلام
عراق	زبان عربی / کردی	قومیت کرد و عرب	دین اسلام و مذهب شیعه
جمهوری آذربایجان	زبان ترکی آذری	قوم ترک	دین اسلام و مذهب شیعه
ترکمنستان	زبان ترکمنی	قوم ترکمن	اکثریت مسلمان سنی
افغانستان	زبان فارسی / ترکی	قومیت فارس / ترک	دین اسلام سنی / شیعه
پاکستان	اقلیت فارسی‌زبان	.....	دین اسلام سنی / شیعه
کویت	زبان عربی	قوم عرب	دین اسلام
عربستان	زبان عربی	قوم عرب	دین اسلام
امارات متحده عربی	زبان عربی	قوم عرب	دین اسلام
بحرین	زبان عربی	قوم عرب	دین اسلام
عمان	زبان عربی	قوم عرب	دین اسلام
قطر	زبان عربی	قوم عرب	دین اسلام
روسیه	اقلیت ترکی آذری	قوم ترک	اقلیت مسلمان
قزاقستان	ترکی قزاقی / آذری	قوم ترک	اکثریت مسلمان / عمدتاً سنی

سوریه	زبان عربی	قوم عرب	دین اسلام
اردن	زبان عربی	قوم عرب	اکثریت مسلمان سنی
لبنان	زبان عربی	اکثریت عرب	اکثریت مسلمان سنی/شیعه
مصر	زبان عربی	اکثریت عرب	دین اسلام
فلسطین	زبان عربی	قوم عرب	دین اسلام
گرجستان	ترکی گرجی / آذری	قوم ترک	اقلیت مسلمان
ازبکستان	ترکی ازبکی	قوم ترک	اکثریت مسلمان/عمدتاً شیعه
قرقیزستان	ترکی قرقیزی	قوم ترک	اکثریت مسلمان/عمدتاً سنی
تاجیکستان	زبان فارسی تاجیکی	قوم فارس	اکثریت مسلمان/عمدتاً سنی
هند	اقلیت فارسی زبان	.....	اقلیت مسلمان

(منبع: ایمانی، ۱۳۹۷: ۴)

#### ۴-۷- جلوگیری از دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در معادلات سیاسی-امنیتی خاورمیانه

ضعف داخلی جوامع خاورمیانه و توسعه نیافتگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها، وجود شکاف‌های اجتماعی و انواع تبعیض و عدم توانایی حکومت‌های منطقه در رفع این مشکلات، زمینه دخالت قدرت‌های بزرگ در معادلات منطقه را فراهم می‌کند. به دلیل آنکه یکی از ریشه‌های شکل‌گیری گروه‌های تروریستی دخالت قدرت‌های بزرگ در منطقه است، اتخاذ تدابیری توسط دولت‌های منطقه در راستای کاهش زمینه دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای در معادلات سیاسی-امنیتی خاورمیانه با هدف محدود کردن حمایت آن‌ها از گروه‌های تروریستی ضروری است. تجربه تاریخی ثابت کرده که دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در معادلات خاورمیانه صرفاً به خاطر منافع خودشان است. هدف این قدرت‌ها کنترل بازار انرژی، دسترسی مطمئن به ذخایر نفت و گاز و منابع طبیعی منطقه، فروش تسلیحات نظامی به منطقه و تسخیر بازار مصرف منطقه است و حمایت آن‌ها از برخی گروه‌های تروریستی نیز در راستای همین هدف صورت می‌گیرد. (Metz & Millen, 2004: 2)

دولت‌های منطقه با پیگیری برنامه‌های مربوط به توسعه سیاسی و اجتماعی و بسط آزادی و حقوق بشر می‌توانند ضمن تقویت پایگاه اجتماعی و مشروعیت خود و کاهش زمینه دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، بسترهای شکل‌گیری و ظهور گروه‌های تروریستی را از بین ببرند. همچنین جلب حمایت سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد و کشورهای فرامنطقه‌ای در اتخاذ رویکرد واحد و اجماع جهانی بر نابودی تروریسم ضروری است.

#### ۴-۸- مقابله یکپارچه با تروریسم

یکی از الزامات ریشه‌کنی تروریسم نبرد یکپارچه و هماهنگ با گروه‌های تروریستی منطقه است. تروریسم تهدید مشترک علیه امنیت ملی همه کشورهای منطقه و صلح جهانی است؛ بنابراین، رویکرد معقول این است که در مقابل دشمن واحد و تهدید مشترک باید اقدام مشترک نیز در پیش گرفته شود. در حال حاضر کشورهای منطقه در دسته‌بندی‌های پراکنده و رقیب به مقابله با

تروریسم می‌پردازند و گاهی نیروهای مورد حمایت برخی از کشورها به منافع و نیروهای کشورهای رقیب حمله می‌کنند. برای مثال رویکرد کشورهای ایران، روسیه، سوریه، عراق در مبارزه با داعش با رویکرد کشورهای عربستان، امارات، امریکا و ترکیه در یک راستا نیست. با درپیش گرفتن بازی با حاصل جمع صفر توسط بازیگران منطقه خاورمیانه، ریشه‌کنی تروریسم محال خواهد بود، اما «هنگامی که یک مسئله از دیدگاه حاصل جمع غیر صفر تعریف شد، مهم‌ترین گام به سوی حل و فصل آن برداشته شده است. چالش تروریسم در درجه اول ماهیتی شناختی و ادراکی دارد. هنگامی که کنشگران آماده کنار گذاردن پیش‌داوری‌های خود باشند و متفاوت فکر کنند، سیاست‌ها و اقدامات مناسب نیز به دنبال آن خواهند بود.» (Zarif, 2016: 20)

نکته دیگر اینکه صرف جنگ زمینی و موردی با تروریست‌ها باعث شکست آن‌ها نخواهد شد، بلکه نبرد یکپارچه با همه امکانات و توانمندی‌های گروه‌های تروریستی از جمله زمینه شکل‌گیری، امکانات مالی و منابع درآمد، امکانات نظامی و لجستیکی، انبار مهمات، مقابله با شبکه‌سازی و تبلیغات در فضای مجازی و حذف راه‌های ارتباطی با دنیای خارج در کنترل و نابودی آن‌ها ضروری است.

#### ۴-۹- همگرایی اقتصادی منطقه‌ای

امروزه جهانی‌شدن در همه عرصه‌ها به‌خصوص عرصه اقتصادی رسوخ پیدا کرده است و دیگر رویکردهای یک‌جانبه و سیاست‌های حمایت‌گرایانه در حوزه اقتصادی به نفع تعاملات و ارتباطات گسترده دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی کنار گذاشته شده است. فرایند جهانی‌شدن اقتصاد در اروپا، امریکای شمالی، آسیای جنوب شرقی و کشورهایی مثل ژاپن، چین، هند و غیره نهادینه شده است. در این دنیای درهم‌تنیده و به‌هم‌پیوسته که روزبه‌روز بر ارتباطات آن افزوده می‌شود، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تافته جدا بافته این کره خاکی محسوب می‌شود. برخلاف دیگر نقاط دنیا که عمدتاً قواعد بازی حاصل جمع مثبت است، در خاورمیانه همچنان قواعد بازی حاصل جمع صفر است. دولت‌ها شدیداً رویکرد امنیتی در سیاست خارجی در پیش گرفته‌اند و به‌طور یک‌جانبه و بدون توجه به منافع دیگران رفتار می‌کنند. رقابت بین دولت‌ها در حوزه سیاسی - امنیتی است نه در عرصه اقتصادی. مسابقه در عرصه افزایش سهم خود در تولید علم و فناوری نیست، بلکه در میزان خرید تسلیحات نظامی از قدرت‌های بزرگ و انبار کردن آن است. گفتمان حاکم در منطقه تهدید است نه همکاری. «اقتصاد بیشتر کشورهای منطقه وابسته به نفت و رانتی است که سبب می‌شود تقسیم کار و ثروت عادلانه نباشد.» (Pollack, 2015: 3-4)

«بروکراسی‌های فاسد و سیستم‌های آموزشی غیرساختاریافته این کشورها سبب شده است که آن‌ها نتوانند نیروی کار خلاق را برای یک اقتصاد مورد نیاز عصر اطلاعات تأمین کنند. همچنین سیستم‌های امنیتی خودکامه حکومت‌های منطقه باعث نهادینه شدن نوعی ترس از اعتراضات مدنی در جوامع آن‌ها شده است.» (Goldstein, 2012:4 /hrw.org)

را در اقدامات خشونت‌آمیز می‌بینند. در چنین شرایطی انتظار توسعه اقتصادی، افزایش رفاه عمومی، رونق کسب‌وکار، جذب سرمایه‌گذاری و.. بیهوده است. میزان تعاملات و حجم تجارت کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با دیگر کشورهای جهان بسیار بیشتر از تعاملات و تجارت درون منطقه‌ای است. در این شرایطی که محیط منطقه به شدت امنیتی شده است، اقتصاد رشد نخواهد کرد، بلکه زمینه ظهور و فعالیت گروه‌های تروریستی بیشتر خواهد شد.

یکی از راهکارهای مبارزه با تروریسم در منطقه افزایش تعاملات بین کشورهای منطقه در حوزه اقتصادی است. هرچند که اقتصاد بسیاری از کشورهای منطقه مکمل همدیگر نبوده و رانتی است، اما در صورت انجام اصلاحات ساختاری در عرصه اقتصادی، تقویت خصوصی‌سازی، توجه به مزیت نسبی کشورهای منطقه در تولید و صادرات کالا، ایجاد شفافیت مالی و بانکی، افزایش ارتباطات و کاهش تعرفه‌های درون منطقه‌ای به تدریج اقتصاد این منطقه رونق خواهد گرفت. در این زمینه چهار کشور ایران، ترکیه، مصر و عربستان باید ضمن اصلاحات اقتصادی داخلی، در زمینه افزایش همگرایی منطقه‌ای تلاش کنند. ترکیه الگوی موفق در عرصه اقتصادی است و تجربه توسعه اقتصادی این کشور می‌تواند برای دیگر کشورهای منطقه راهگشا باشد. چهار کشور فوق با ایجاد اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای می‌توانند مسیر همگرایی اقتصادی را در منطقه تسهیل کنند. در این راستا، بی‌تردید وجود دولت‌های رانتیر و اقتصادهای مشابه که عمدتاً به درآمد نفت متکی هستند، مانع بزرگی خواهد بود، اما باید این مسئله را در نظر گرفت که امروزه بسیاری از رهبران کشورهای منطقه به این مسئله واقف هستند که باید اقتصاد خود را از رانت جدا کنند و به سمت تقویت بخش خصوصی، مشارکت در تولید علم و فناوری جهانی و اقتصاد آزاد حرکت کنند.

بازار مصرف بزرگ خاورمیانه در مسیر همگرایی اقتصادی و تجارت درون منطقه‌ای امتیاز بزرگی است و همچنین ابزار مناسبی برای چانه‌زنی کشورهای منطقه با دیگر کشورهای دنیا است. کشورهای منطقه ضمن توسعه اقتصادی در داخل و تقویت بخش خصوصی، باید در عرصه سیاست خارجی نیز به جای رویکرد سیاسی-امنیتی صرف، رویکرد اقتصادی را در اولویت خود قرار دهند و به تبع آن در مسیر همگرایی اقتصادی منطقه‌ای تلاش کنند. تداوم این مسیر به تدریج زمینه‌های ظهور و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی را کاهش خواهد داد. (ایمانی، ۱۳۹۷: ۱۳) در جدول زیر به وضعیت کنونی شاخص آزادی اقتصادی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا که لازمه همگرایی اقتصادی منطقه‌ای است، اشاره شده است.

جدول ۲: جایگاه کشورهای MENA در شاخص آزادی اقتصادی برای سال ۲۰۱۷

رتبه جهانی	رتبه در منطقه	کشور
۸	۱	امارات
۲۹	۲	قطر
۳۶	۳	فلسطین
۴۴	۴	بحرین
۵۳	۵	اردن
۶۱	۶	کویت
۶۴	۷	عربستان سعودی
۸۲	۸	عمان
۹	۸۶	مراکش
۱۲۳	۱۰	تونس
۱۳۷	۱۱	لبنان
۱۴۴	۱۲	مصر
۱۵۵	۱۳	ایران
۱۷۲	۱۴	الجزایر
-	-	عراق
-	-	لیبی
-	-	سوریه
-	-	یمن

(منبع: [www.Heritage.org](http://www.Heritage.org))

در این بخش به راهکارها و الزامات درپیش گرفتن رویکرد چندجانبه‌گرایی در مبارزه با تروریسم خاورمیانه پرداخته شد. با توجه به تحولات سیاسی، امنیتی و اقتصادی جهانی در اوایل قرن ۲۱، اهمیت و ضرورت توجه به رویکرد چندجانبه‌گرایی در این است که چالش‌ها و فرصت‌های جهانی دیگر خارج از کنترل دولت‌ها است و دولت‌ها به‌تنهایی توانایی کنترل آن‌ها را ندارند. همچنین راه‌حل‌های یک‌جانبه و دوجانبه دیگر جوابگوی مسائل و مشکلات امروزی دولت‌ها از جمله تروریسم نیست. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که راه رسیدن به امنیت و صلح در خاورمیانه، مبارزه با تروریسم و توسعه اقتصادی در منطقه توجه به رویکرد چندجانبه است؛ بنابراین، اتخاذ رویکرد چندجانبه‌گرایی و توسعه روابط با کشورهای منطقه خاورمیانه بخصوص ترکیه، مصر و عربستان زمینه بهره‌مندی از امکانات نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای ارتقای موقعیت جهانی و پیشبرد منافع ملی ایران و همچنین جلوگیری از تهدیدات جهانی مانند تروریسم را فراهم می‌کند.

باید گفت که در عصر جهانی‌شدن مفهوم قدرت دیگر محدود به حوزه سخت‌افزاری و نظامی نیست. امروزه قدرت ابعاد مختلفی دارد که عبارت است از قدرت اقتصادی، قدرت نظامی، قدرت ساختاری، قدرت نرم، قدرت فناوری، قدرت هنجاری، قدرت اجماع‌سازی و قدرت دیپلماتیک. دستگاه وزارت خارجه ایران باید به همه این حوزه‌های قدرت، برنامه‌ریزی کند تا بتواند در شرایط جدید جهانی با درپیش گرفتن رویکرد چندجانبه‌گرایی منافع و امنیت ملی ایران را تأمین کند. امروزه نقش آفرینی فعالانه قدرت‌های غیرغربی در قرن ۲۱ نظیر چین، هند، ژاپن و همچنین توسعه اقتصادی چشمگیر منطقه آسیای جنوب شرقی نشان‌دهنده این مسئله است که قرن ۲۱ قرن چندجانبه‌گرایی با محوریت آسیا است؛ بنابراین، ایران با توجه به موقعیت منطقه‌ای خود با



اتخاذ رویکرد چندجانبه‌گرایی و با هدف قدرتمندی هرچه بیشتر در همه حوزه‌ها و ایجاد محیط پیرامونی باثبات (که پیش شرط توسعه است)، باید دیپلماسی فعالی را در ریشه‌کنی تروریسم در پیش بگیرد. در این راستا استفاده از پتانسیل‌های بالقوه ژئوپلیتیکی، اقتصادی، فرهنگی، قومی و دینی در همسایگی ایران بسیار مؤثر خواهد بود.

۱. ضرورت همکاری و ائتلاف ایران، ترکیه، مصر و عربستان در ریشه‌کنی تروریسم
۲. تعریف مشترک از تروریسم
۳. پرهیز از یک‌جانبه‌گرایی در مبارزه با تروریسم
۴. پیگیری سیستم امنیت جمعی
۵. از بین بردن عوامل و بستری‌های داخلی ظهور گروه‌های تروریستی
۶. همراه کردن دیگر بازیگران منطقه‌ای از طریق تقویت یا ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای
۷. جلوگیری از دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در معادلات سیاسی-امنیتی خاورمیانه
۸. مقابله یکپارچه با تروریسم
۹. همگرایی اقتصادی منطقه‌ای

## نتیجه‌گیری

به‌طور کلی باید گفت که ظهور پدیده تروریسم در خاورمیانه بیشتر ناشی از توسعه‌نیافتگی کشورهای این منطقه است. توسعه‌نیافتگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و عدم مشروعیت حکومت‌ها، نبود انواع آزادی‌ها، تسلط نگاه امنیتی در سیاست‌های داخلی و خارجی، زمینه‌ساز رشد گروه‌های بنیادگرا و تروریستی در خاورمیانه است. ضمن اینکه همین ضعف داخلی کشورهای این منطقه، زمینه دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در امور داخلی کشورهای منطقه را فراهم می‌کند. پیشنهاد پژوهش این است که رویکرد چندجانبه‌گرایی بهترین انتخاب در مقابله با تهدید تروریسم در خاورمیانه است.

نکته دیگر اینکه جمهوری اسلامی ایران باید بین قدرت نظامی و دیگر ابعاد قدرت در سیاست خارجی توازن ایجاد کند. بدین معنی که ضمن توجه به تقویت توان دفاعی و همکاری نظامی با کشورهای قدرتمندی که در صنایع نظامی صاحب فناوری‌های روز می‌باشند، باید رویکرد چندجانبه‌گرایی را در منطقه با هدف ریشه‌کنی تروریسم با جدیت پیگیری کند. جمهوری اسلامی ایران باید در کنار اشراف اطلاعاتی بر محیط پیرامونی و عمق استراتژیک خود در منطقه، هم‌زمان اختلافات خود را با همسایگان از جمله ترکیه، مصر و عربستان، از راه دیپلماسی چندجانبه حل و فصل کند. حل اختلافات با سه کشور فوق در دستیابی به همگرایی اقتصادی و نابودی تروریسم در جهان اسلام بسیار حیاتی است.

درنهایت، این پژوهش در راستای ریشه‌کنی تروریسم در جهان اسلام، چند راهبرد را به تصمیم‌گیران حوزه سیاست خارجی ایران پیشنهاد می‌کند:

- اتخاذ رویکرد چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی ایران؛
- عقد قرارداد عدم تخاصم با کشورهای اسلامی و همسایگان؛
- حل و فصل اختلافات ارضی و مرزی با همسایگان با هدف باثبات‌سازی محیط پیرامونی ایران؛
- حل و فصل هم‌زمان اختلافات با کشورهای حاشیه خلیج فارس و قدرت‌های فرامنطقه‌ای با دیپلماسی چندجانبه؛
- تشکیل کارگروه ویژه بین کشورهای اسلامی برای رسیدن به اجماع در تعریف تروریسم و ریشه‌کنی آن؛
- تقویت توان دفاعی کشور در عین حال تقویت همکاری‌های امنیتی چندجانبه با کشورهای منطقه با توجه به تهدیدات جدید متأثر از فرایند جهانی شدن؛
- تقویت و ایجاد نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای در راستای همگرایی اقتصادی منطقه‌ای؛
- حمایت از سرمایه‌گذاری‌های مشترک بین کشورهای جهان اسلام؛
- آزادسازی اقتصادی و کاهش تعرفه‌های گمرکی درون منطقه‌ای؛
- اتخاذ تدابیری برای تقویت گردشگری درون منطقه‌ای؛
- تشکیل نهادی برای گسترش همکاری‌های علمی و دانشگاهی بین کشورهای اسلامی؛
- تشکیل کارگروهی از اندیشمندان و صاحب‌نظران جهان اسلام با هدف رسیدن به راه‌حلی در خصوص وحدت جهان اسلام و حل اختلافات ساختگی شیعه و سنی.

## کتاب‌نامه

### الف- کتب

۱. ظریف، محمدجواد؛ سجادی‌پور، سید کاظم؛ مولایی، عبدالله، ۱۳۹۵، دوران گذار روابط بین‌الملل در جهان پساغربی، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.

### ب- مقالات

۲. احمدی‌پور، زهرا و همکاران، (۱۳۸۹)، «تحلیل ژئوپلیتیکی فرصت‌ها و چالش‌های همگرایی در منطقه غرب آسیا»، دو فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، (۱)۱؛ ۷۷-۱۰۸.

۳. ایمانی، همت (۱۳۹۶)، دیپلماسی اقتصادی؛ رهیافتی برای افزایش قدرت ملی ایران، فصلنامه راهبرد، ۲۶(۳)؛ ۱۴۹-۱۷۴.

۴. ایمانی، همت؛ نراقی، فردین، (۱۳۹۷)، «الزامات تبدیل ایران به قطب راهبردی در آسیای مرکزی و غربی»، مجموعه مقالات هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، ۴۴۷-۴۸۱

۵. فیرحی، داود؛ ظهیری، صمد، (۱۳۸۷)، «تروریسم، تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم»، فصلنامه سیاست، ۳۸(۳)؛ ۱۴۵-۱۶۵.

۶. قوام، عبدالعلی؛ ایمانی، همت، (۱۳۹۱)، «نظریه رئالیستی اتحاد در روابط بین‌الملل»، فصلنامه علمی پژوهشی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۳۰؛ ۳۷-۶۶.
۷. سریع‌القلم، محمود، (۱۳۹۶)، «نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۱۲(۱)؛ ۱۰۱-۱۳۹.
۸. حیدری، ایوب، (۱۳۹۳)، «فرهنگ و گسترش تروریسم و افراطی‌گری در خاورمیانه و شمال آفریقا»، فصلنامه سیاست، ۱(۴)؛ ۴۹-۶۰.
۹. روشن، امیر؛ فرجی، محمدرضا؛ رنجبر حیدری، وحید، (۱۳۹۵)، «چندجانبه‌گرایی راهبرد چین در آسیای مرکزی»، فصلنامه راهبرد، ۲۵(۷۹)؛ ۴۷-۶۹.

### ج- انگلیسی

10. Alexander, Yonah (1976). *International Terrorism: National, Regional and Global Perspectives*. New York: Praeger, p. xiv.
11. Bouchard, Caroline and Peterson, John (February 2010), "Conceptualising Multilateralism Can We All Just Get Along?", Mercury is financially supported by the EU's 7th Framework Programme.
12. Council of the European Union (2009) "European Security Strategy: "A Secure Europe in A Better World", European Communities. [www. eu.europa. eu/europeaid/ infopoint/.../\\_ security\\_strategy\\_en.htm](http://www.europa.eu/europeaid/infopoint/.../_security_strategy_en.htm). 2011/03/01
13. "Convention of the Organization of the Islamic Conference on Combating International Terrorism" Annex to Resolution No.59/26/P 26th Islamic Conference of Foreign Ministers July-1999
14. Drezner, Daniel W. (2008), "Lost in Translation: The Transatlantic Divide Over Diplomacy", in *Growing Apart?: America and Europe in the Twenty- First Century*, Eds. Jeffrey Kopstein and Sven Steinmo, Cambridge: Cambridge University Press.
15. Goodrich, Ben (2004), "Alliance Formation and International Relation Theory"
16. Government 2710- Week 09, Response Paper, April. 1-2
17. Global Terrorism Database (GTD))/ [https://www.start.umd.edu/gtd/images/ START\\_Global Terrorism Database\\_2015TerroristAttacksConcentrationIntensityMap.jpg](https://www.start.umd.edu/gtd/images/START_Global_Terrorism_Database_2015TerroristAttacksConcentrationIntensityMap.jpg)
18. Goldstein, Eric (2012) *Before the Arab Spring, the Unseen Thaw*. Retrieved from <https://www.hrw.org/world-report/2012/country-chapters/global-middle-east/north-africa>
19. Keohane, R.O. (1990) 'Multilateralism: an Agenda for Research', *International Journal*, 45: 731- 764.
20. Keohane, R. O. and J. S. Nye (2000b) *Power and Interdependence*, 2 edition, New York: Addison-Wesley Longman.

21. Koechler, H (2002). The United Nations, the International Rule of Law and Terrorism Fourteenth Centennial Lecture. Manila. <http://www.un.org/Docs/sc/Committees/1373>
22. <http://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/multilateralism>
23. <http://www.mfa.gov.ir/?siteid=1&pageid=128&newsview=5843>
24. <http://en.wikipedia>
25. <https://www.statista.com/statistics/236983/terrorist-attacks-by-country>
26. <http://www.irna.ir/fa/News/82731501>
27. <http://www.economist.com>
28. <http://En.wikipedia.org>
29. <http://www.heritage.org/>
30. <http://www.shadedrelief.com/political>
31. <https://www.aiib.org/en/index.html>
32. Joint Chiefs of Staff DOD (2008). Department of Defense Dictionary of Military and Associated Terms. Washington, D.C.: DOD
33. Laqueur, Walter (1987). The Age of Terrorism (2nd ed.). Boston: Little & Brown, p. 143.
34. Metz, s. & Millen, R. 2004. Insurgency and Counterinsurgency in the 21st Century: Conceptualizing Threat and Response. Strategic Studies Institute.
35. Nternational Convention for the Suppression of Acts of Nuclear Terrorism U.N. New York. September 14, 2005.
36. Noe Oest, Kajsa Ji (2007), "The End of Alliances Theory?", Instiutut for Statskundskab, Arbejdspapir, 03, Copenhagen university, p.13. (<http://polsci.ku.dk/bibliotek/publikationer/2007>)
37. Pollack, Kenneth (2015) U.S Policy toward a Turbulent Middle East, Washington: Brookings Institution Press.
38. Ruggie, J. (1992), Multilateralism: An Anatomy of an Institution, International Organization, Vol.46, No.3.
39. Ruggie, J. (1993), Multilateralism Matters: the Theory and Praxis of an Institutional Form, Columbia University Press.
40. Schechter, M. (1999), Innovation in Multilateralism (Basingstoke: Palgrave Macmillan).
41. Wiseman, G. (2011), Norms and Diplomacy: The Diplomatic Underpinnings of
42. The American Heritage (2017). Dictionary of the English Language 4 ed. Houghton Mifflin Company.
43. Walt, Stephen M., (1997), "Way Alliances Endure or Collapse", Survival, 39:1, 156-179: 157-158
44. Zarif, Mohammadjavad (2016), "How to Handle the Enabling Conditions for Extremism and Terrorism", Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 7, No. 1, Winter-Spring 2016: 5-20